

## برزکو و مشایخ دایو

برزکو barzoku، به معنی کوه بلند است. این کوه در تالش و لابل واقع گردیده، در فاصله حدود سی کیلومتری رضوانشهر و پره‌سر و دامنه غربی آن تا منطقه اسالم گسترده است.

در پیرامون برزکو و در فاصله نسبتاً دوری از قله و آبادی آن چندین روستای کوچک و بزرگ وجود دارد که مهم‌ترینشان عبارتند از آرده، برن، زندانه، و ناو. این آبادیها در مسیر راه‌هایی قرار دارند که به برزکو منتهی می‌شوند. بر فراز قله برزکو - که ارتفاع آن از سطح دریا بیش از دو هزار متر می‌باشد - زیارتگاهی وجود دارد که به (برزکو، برزکو تدبه، برزکو اولیاء، شاهه برزکو، سلطان برزکو) شهرت دارد. این زیارتگاه متشکل از دو اتاقک چوبی ساده می‌باشد که به موازات هم و به صورت شرقی - غربی احداث شده‌اند و پیرامون آن را دیوارهای سنگی احاطه نموده است و در اندرون این اتاقکها، سه تن از مشایخ مورد احترام اهل سنت مدفون می‌باشند که نسب آنها به سلسله مشایخ دایو\* می‌رسد.

تنها منبع شناخته شده‌ای که اطلاعاتی درباره مشایخ مدفون در برزکو به دست می‌دهد یک جنگل خطی متعلق به آقای معراج موسوی - پره‌سر - می‌باشد و ماجهت هرچه روشن‌تر کردن موضوع، هم از مطالب آن منبع و هم از اقوال شفاهی بطور جداگانه بهره جستیم. در این مورد قول کسانی مدنظر قرار گرفته است که نسل در نسل بطور موروثی متولی آرامگاه مشایخ یاد شده می‌باشند و یا خود را از اخلاف آنان می‌دانند.

چنانکه اشاره شد یکی از آبادی‌های نسبتاً بزرگی که در مسیر راه برزکو واقع شده، دهستان ارده است. این آبادی در دامنه کوه و در فاصله حدود ده کیلومتری شرق برزکو قرار دارد. در ارده زیارتگاهی وجود دارد که برخی می‌گویند مدفن شیخ نعمت‌الله ابن شیخ سعدالدین کشفی انصاری و از جمله مشایخی بوده که تغییر مذهب در خاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی را نپذیرفته و در زمان شاه طهماسب اول از خورش رستم خلخال جهت ارشاد پیروان مذهب سنت شافعی، به تالش مهاجرت نموده است. گروهی می‌گویند این شخص دارای شش پسر بوده بنام‌های: جنید، بهاء‌الدین، جمال‌الدین (مدفون در برزکو) نجم‌الدین و ابوالمعالی (مدفون در پره‌سر) فخرالدین (مدفون در شاندرمن) برخی دیگر پسران شیخ نعمت‌الله را به این ترتیب نام می‌برند: جنید، جمال‌الدین و برزو (مدفون در برزکو) ابوالمعالی مدفون در پره‌سر، فخرالدین مدفون در شاندرمن و امام مدفون در طولارود. عده‌ای نیز بین این اشخاص و شیخ نعمت‌الله مدفون در ارده نسبتی قایل نیستند.

هم چنین می‌گویند شیخ جنید از داشتن فرزند محروم بوده و از او اشعاری روایت می‌کنند. از جمله دو ترانه زیر که به زبان آذری و یا تالشی اسالمی سروده شده است:

میشن بنده کولون برز آبره برز  
 ترس مرگی جانم لرزه آمره لرز  
 (جنید) غافل مین ناگونه مرگی  
 اجل به آدمی فرض آمره فرض  
 ترجمه:

بنفشه در کوهساران قد بر کشیده است  
 از بیم مرگ جانم به لرزش آمده است  
 جنید! از مرگ ناگوار غافل مباش  
 اجل به آدمی فرض آمده است

\*

(جنیدم) ته چرا به باغ و بسون  
 خرده رورنی بگریه ول به دسون  
 همه شادین اشتن تازه بهاری  
 اشته دل هستده فصل زمسون  
 ترجمه:

جنیدم! باغ و بوستان را برای چه می خواهی  
 فرزند خرد سالی که نداری تا گل به دست بگردد  
 همه شادند از بهار تازه خویش  
 اما دل تو همچون فصل زمستان است

و اما مطلب مندرج در صفحه های ۴۰-۹۳۹ جنگ متعلق به آقای موسوی با این گفته ها اتفاق و اختلافاتی دارد که ضمن نقل عین آن مطلب در اینجا موارد اتفاق و اختلاف این دو را بر خواهیم شمرد: «مدفن مشایخ دایو از مرحوم جنت مکان شیخ عبوض بن مرحوم شیخ بدیع الزمان ابن مرحوم شیخ جنید رحمة الله علیهم بدین انواع سمت تحریر یافته بود که شیخ عبدالله در هرات و شیخ احمد با شیخ محمود در کاغذ آن را و شیخ جمال الدین و شیخ بهاء الدین و شیخ جنید در ناحیه گسکرات در محل معروف و مشهور به برزکو شیخ ابوالعالی در محله جنبه سرای پره سر و شیخ فخرالدین در شاندرمن مشهور به چاله سری و شیخ غیاث الدین و شیخ محمدرضا در غیاث آباد و شیخ مسعود و شیخ نعمت الله کشف الکرامه زاید الوصف والاصاف مشهور و معروف به آذربایجان و عراق و فارس و گیلانات از تمام بلاد ایران اعنی شیخ سعدالدین رحمت الله علیه با دو پسرانش شیخ نعمت الله با شیخ فخرالدین و خلف ارشدش شیخ ابوالعالی در قریه دایو خان انده بیل مدفونند. چون شیخ مرحوم بدین انواع مرقوم فرموده تا یادگار بماند و تاریخ سابقش مطابق هزار و دوست و چهل و پنج».

موارد اتفاق گفته مردم با این (مدفن نامه) در این است که مشایخ مدفون در برزکو جمال الدین، بهاء الدین و جنید می باشند و شیخ ابوالعالی در جنبه سرا و شیخ فخرالدین در چاله سرای شاندرمن مدفون می باشند و مسقط الرأس ایشان در ناحیه خورش رستم خلخال - قریه دایو - بوده و احتمال مهاجر نشان به تالش در زمان سلطنت شاه طهماسب نیز از لحاظ تاریخی بعید نیست - و اما موارد اختلاف آن گفته ها با سند مذکور عبارت از این است که اگر شخص مدفون در ارده شیخ نعمت الله باشد او فرزند شیخ سعدالدین مدفون در دایو نبوده، پس پدر مشایخ مدفون در برزکو نمی تواند باشد. مگر اینکه آن نعمت الله و پدرش سعدالدین اشخاص دیگری باشند که نویسنده مدفن نامه مذکور به سهو یا عمد از ذکر نام و محل دفنشان خودداری کرده است کاملاً بعید به نظر می رسد. در این مدفن نامه از کسانی بنام نجم الدین و برزو امام نیز یاد نشده است. البته آرامگاهی بنام سید نجم الدین و مشهور به عاشقه سید =

سید عاشق، در پره سر وجود دارد، اما گروهی نیز او را اخلاف سید شرفشاه دولابی به شمار می آورند و بنا به نوشته مرحوم سید محمود شرفی، موسوی های کنونی پره سر از بازماندگان سید نجم الدین مزبور می باشند.

در دنباله مدفن نامه مورد نظر دو قطعه شعر آمده که یکی از آنها به این شرح است:

|                           |                            |
|---------------------------|----------------------------|
| بنای مسجد دایسوی علیا     | به دست میراستاد آن محمد    |
| به دورشاه عادل شاه طهماسب | که ظل عالی اش بادا مخلد    |
| زسوی شیخ سعد ملت ودین     | مسحب خاندان آل احمد        |
| در ایام خوشی از سال اول   | ز عشر هشتمین بود از دهم صد |

این شعر حاکی از آن است که مسجد دایو در عهد سلطنت شاه طهماسب به سال ۹۸۰ و از سوی - به دستور - شیخ سعد = سعدالدین ساخته شده است. ۱۲ سال پس از آنکه «گنبد و بارگاه رضوان مکان حضرت شیخ کشفی با سایر مشایخ مدفون در دایو» احداث می گردد، می بینیم که نام شیخ سعدالدین در زمره مشایخ مدفون در آن محل ذکر می گردد و آن گنبد و بارگاه از سوی شیخ نعمت الله ساخته می شود و احداث آن بنا ظاهرأ در فاصله اندکی پس از درگذشت شیخ سعدالدین صورت می گیرد:

|                           |                              |
|---------------------------|------------------------------|
| زدینا شیخ سعد ملت و دین   | به سوی خلد رفت و شد مخلد     |
| مها شد ز بهر مرقد او      | به زیبایی چوقصر خلد گنبد     |
| زسوی شیخ فاضل نعمت الله   | که حق بادا نگهدارش ز هر بد   |
| بدان سالی که گنبد شد مکمل | دوم سال از نهم عشر از دهم صد |

از این دو قطعه شعر چنین مستفاد می گردد که نعمت الله با شیخ سعدالدین نسبت نزدیکی داشته و به احتمال قوی پسر وی بوده و این شخص در زمان احداث گنبد و بارگاه مرقد والد خویش دوران جوانی را طی می کرده، زیرا لقب شیخ فاضل در مقابل «شیخ کامل» و غیره... معمولاً به اشخاص جوان و پوینده راه کمال داده می شد و بالاخره چنانکه دیدیم نام این شخص نیز در زمره مشایخی آمده است که در گورستان مشایخ دایو مدفون می باشد، اما با وجود این هنوز نباید این احتمال را از نظر دور داشت که مشایخ برزکو فرزندان نعمت الله بن سعدالدین بوده اند و پس از مرگ پدر و یا حتی در زمان حیات او به تالش مهاجرت کرده اند.

نکته دیگری که باز در این باره مورد توجه قرار می گیرد این است که چنانکه دیدیم، نویسنده مدفن نامه مشایخ دایو شخصی بنام شیخ عیوض ابن شیخ بدیع الزمان ابن شیخ جنید بوده و او در سال ۱۲۴۵ زندگی می کرده. مستبعد به نظر نمی رسد که شیخ جنید اخیرالذکر همان شیخ جنید مدفون در برزکو و احتمالاً جد شیخ عیوض مذکور باشد و او به سبب داشتن چنین نسبتی مبادرت به نوشتن مدفن نامه مشایخ دایو نموده است. این نسبت از لحاظ تاریخی مورد تأیید قرار می گیرد و در این صورت این پندار که شیخ جنید از داشتن فرزند محروم بوده، نمی تواند قابل اعتنا باشد و چه بسا منشاء آن تحلیل و تفسیری از ترانه «جنیدم باغ و بوستان را برای چه می خواهی.....» باشد که شعر مثل بیشتر آمد.

\* \* \*

برزکو به سبب وجود زیارتگاهی که در قلعه آن واقع می باشد یک مکان مقدس به شمار می رود و در بین اهالی تالش، به ویژه اهل سنت آن دیار، حرمت خاصی دارد و در فرهنگ عامه آن مردم جای جای اثر و نام برزکو به چشم می خورد:

|                             |                             |
|-----------------------------|-----------------------------|
| شنارنه مانگه ناو خیلی بلنده | شاهه برزکونه دیمادیم مسنده  |
| هرکس چمه مینه آتش و چینا    | دیو و نیش بکسره غریبه بسنده |

ترجمه:

ماهتاب امشب خیلی بلند است      با سلطان برزکو برابر ایستاده است

هر کس در میانهٔ ما آتش برافروزد کسبش را بسدهد غریب بسنده.  
 هر سال در فصل تابستان - هنگامی که راه‌های منتهی به برزکو قابل عبور می‌شود - مردم تالش از نقاط دور و نزدیک، دسته دسته به زیارت برزکو می‌روند و در آنجا طی آداب و ویژه‌های مراسم زیارت را انجام می‌دهند. دخیل می‌بندند، نذر می‌کنند، توسل می‌جویند، از گلها و گیاهان آنجا و از تربت مزارش به تیمن و تبرک و به نیت مداوای امراض و تسکین دردها، مقداری با خود می‌برند. به ویژه از میوهٔ گیاهی موسوم به «انار برزکو» که می‌گویند دارویی است معجزه آسا برای انواع دردها بخصوص درد گوش. مردم حتی دامهای خود را نیز به زیارت برزکو می‌برند تا از آنها رفع بلا و آفت شود.

وجود زیارتگاه برزکو موجب گردیده است که از دیرباز عده‌ای بی‌اعتنا به انواع مشکلات و محرومیت‌ها از جمله جلوه‌های خشم و قهر طبیعت در فصولی از سال، بی‌آبی قلّهٔ برزکو و دوری راه، در آنجا اسکان یافته و تولید و خدمتگذاری مرقد مراد خود را برعهده گیرند. به این ترتیب پس از سپری شدن سالهای متمادی، اکنون در قلّهٔ برزکو و در پایین دست زیارتگاه، دهکدهٔ کوچکی شکل گرفته که نبض جامعه‌ای کوچک در آن می‌تپد. این جامعه همانطور که اشاره شد، متشکل از متولیان و خدمهٔ زیارتگاه برزکو می‌باشد و همهٔ مردان آن ملقب به «صوفی» هستند و اینان که اصلاً از اهالی اسلام می‌باشند از لحاظ سازمان اجتماعی به عضویت ایل تالش دولاب درآمده‌اند و شیوهٔ زندگی آنان به گونه‌ای است که اجتماعشان تقریباً صورت نیمه کاستی یافته است و همگی آنان دارای نام فامیلی «البرزی» و «خادمی» می‌باشند.

نگهداری تعداد کمی دام، زراعت سیب زمینی و حبوبات، پذیرایی از زوار، گردآوری نذورات، ممر معاش این افراد را تشکیل می‌دهد. صوفیان برزکو در زمینهٔ پاسخگویی به برخی نیازهای اولیهٔ شرعی اهالی تالش دولاب و اجرای پاره‌ای از شعائر و مناسک مذهبی و عرفانی نقش ویژه‌ای دارند که مواردی از آن عبارت است از:

- ۱- هدایت زوار و همکاری با آنها در اجرای آداب و زیارت و خواندن اشعار زیارت.
- ۲- برگزاری نمازجماعت در محل زیارتگاه.
- ۳- ترتیب دادن مراسم شب زنده‌داری با زوار و اهل عرفان و خواندن اشعار عرفانی با آهنگهای ویژه.
- ۴- اجرای مراسم ویژهٔ «مولود نامه خوانی» در منازل و مساجد به دعوت مردم به مناسبت میلاد حضرت رسول اکرم (ص).
- ۵- اجرای مراسم خاص عبادی چون قربان و فطر و خواندن دعاها و اشعار ویژهٔ آن اعیاد.

آینده. اخیراً آقای علی عبدلی مؤلف چند کتاب دربارهٔ تالش و زبان آنجا سفری به باکو کرد تا در جلسات علمی کنگرهٔ فرهنگ تالشی شرکت کند و دانشگاه باکو به ایشان درجهٔ دکتری افتخاری به مناسبت کوششهایش اهدا کرد.

## صائب و سبک هندی

مجموعهٔ مقالات «صائب و سبک هندی» که یکی از مآخذ اصلی تحقیق دربارهٔ احوال و آثار صائب تبریزی از غزلسرایان نامی ایران و سالها نایاب شده بود بطور کاملتر - محتوی ۳۵ مقالهٔ تحقیقی در ۶۶۰ صفحه که حاصل تتبع و پژوهش صائب شناسان بنام در طول هفتاد سال گذشته است با نام «صائب و سبک هندی در گسترهٔ تحقیقات ادبی» به اهتمام و تألیف محمدرسول دریاکشت توسط نشر قطره منتشر شد.